

جایگاه امنیت در مکتب رئالیست و امام خمینی علیه السلام

□ حسین حجتی *

چکیده

یکی از موضوعاتی که در دستور کار محققان و علاقمندان امنیت پژوهی قرار می‌گیرد، بررسی و تبیین مؤلفه‌ها و مقولات کلیدی بحث امنیت است. نوشتار حاضر با توجه به اهمیت این مؤلفه‌ها، درصد بازشناسی تعدادی مهم از این موارد از منظر مکتب امنیتی رئالیست و مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام است که ایشان ضمن به چالش کشیدن همه مکاتب مادی، ماهیت انسان را ترکیبی از نیروهای خیر و شر می‌داند و با توجه به اینکه انسان به تقویت کدام بعد وجودی خویش پردازد، روابط بین الملل مشحون از جنگ یا صلح و امنیت یا ناامنی خواهد بود.

در این نوشتار تلاش شده است که تعدادی از مؤلفه‌های امنیت مشخص و از منظر این دو مکتب تبیین شده و سرانجام بین این دو دیدگاه مقایسه‌ای صورت گیرد. بر این اساس، ویژگی‌های نظریه امنیتی این دو مکتب، در محورهای مفهوم، ابعاد، مرجع، سطح امنیت، بحث خودی و غیر خودی، روشهای تحصیل امنیت و راهکارهای استراتژیک امنیتی توضیح داده شده و در اخیر مقایسه‌ای بین این دو دیدگاه صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: امام خمینی علیه السلام، رئالیست، امنیت، تهاجمی و تدافعی، انسان، سعادت دنیوی و اخروی، مرجع امنیت، ایمان، ظلم.

مقدمه

«امنیت» از جنس اموری است که هر انسانی ضرورت وجود آن را تشخیص داده و تقریباً تمامی مکاتب در اصل ضرورت و اهمیت آن هم‌عقیده‌اند. مسئله جنگ و صلح در روابط بین‌الملل از دیرباز یکی از مسائل مهم و در کانون توجه نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل بوده است. آنچه که میان مکاتب و نظریات امنیتی مختلف تفاوت ایجاد نموده و موجب تفاسیر و تفاوت‌های مبنایی میان آنها می‌شود، توصیف و فهم واضعان و مؤسسين آن از چیستی و ماهیت «امنیت» است.

هر مکتب امنیتی سعی دارد از یک سو با تکیه بر مبانی معرفت‌شناختی، هستی‌شناختی، انسان‌شناختی و روش‌شناختی خاص خود، مقوله «امنیت» را تبیین و از سوی دیگر عوامل مخل، تهدیدها، آسیب‌ها و چالش‌های امنیتی را معرفی کند.

بدون تردید، امام خمینی علیه السلام یکی از برجسته‌ترین آنها در دوران معاصر است که بر حسب درک واقع‌بینانه از ساختار-کارگزار نظام بین‌الملل، با محور قرار دادن بحث «رابطه اخلاق و سیاست»، واگرایی و جنگ یا همگرایی و صلح در روابط بین‌الملل را تابع رعایت ارزش‌های اخلاقی و انسانی و عدم رعایت آنها، از سوی بازیگران این عرصه می‌داند.

در این مقاله سعی بر این است که مکتب امنیتی رئالیستی (که مبتنی بر دنیاگرایی و امور مادی است) و مکتب امنیتی حضرت امام خمینی علیه السلام (که مبتنی بر ارزش‌های الهی و سعادت دنیوی و اخروی انسان است) به اختصار بررسی و در پایان یک مقایسه‌ای بین این دو مکتب امنیتی انجام شود.

مفهوم امنیت

امنیت در لغت عبارت است از محافظت در مقابل خطر، احساس ایمنی و رهایی از تردید. (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۲)

امنیت همچنین به معنای ایمن شدن، در امان بودن و بی‌بیمی (معین ۱۳۷۹: ۳۵۲) و نیز به معنای آرامش و آسودگی (عمید ۱۳۷۹: ۲۳۳) تعریف شده است.

از امنیت تعریف‌های مختلفی ارائه شده و تا کنون اجماعی در این باره در میان متخصصان امر امنیت شکل نگرفته بلکه حتی برخی آن را غیرقابل تعریف دانسته اند. (لکزایی، ۱۳۹۴، آفاق امنیت: ش ۲۶)

در مجموع می‌توان مفهوم امنیت را به مصونیت از تعرض و تصرف اجباری بدون رضایت؛ و در خصوص افراد، به نبود بیم و هراس در زمینه حقوق و آزادی‌های مشروع و به مخاطره نیفتادن این حقوق و آزادی‌ها، مصون بودن از تهدید، خطر مرگ، بیماری، فقر و حوادث غیر مترقبه و در کل هر عاملی که آرامش انسان را از بین می‌برد، تعریف کرد. (Jones، ۱۹۹۹)

مکتب امنیتی رئالیست

رهیافت رئالیست یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌ها در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی بوده و هنوز هم در میان سایر رهیافت‌های موجود دارای جایگاه مناسب و درخوری است، و حوزه‌های مختلف مطالعاتی به‌ویژه حوزه‌های مطالعات استراتژیک، مطالعات مربوط به جنگ و مطالعات روابط بین‌الملل تحت تأثیر شدید این رهیافت قرار داشته است. این رهیافت در مجموعه نگرش‌های خردگرا و تشریح‌کننده وضع موجود قرار دارد و کمتر به پیش‌بینی دل‌خوش داشته است.

رهیافت رئالیستی همواره ضمن حفظ مبانی اساسی اش سعی کرده خود را با شرایط جدید منطبق سازد؛ به همین جهت، این رهیافت در اشکال گوناگون، از جمله واقع‌گرایان سنتی، ساختاری، انگیزشی و آرمان‌گرا ظاهر شده است. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۵۹)

رئالیست‌ها با طرح مفهوم بقا، امنیت را مترادف با بقا تلقی می‌کنند و تمامی گرایش‌های واقع‌گرای بر اصل بقا به عنوان هدف برتر بازیگران در نظام بین‌الملل تأکید دارند و بقا نیز به عنوان امکان ادامه حیات دولت - کشور در نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود (همان: ۲۳۰).

۱. ابعاد امنیت

واقع‌گرایان با انتخاب گزینه بقا در مفهوم امنیت، امنیت را در چارچوب کاملاً مشخص و

محدودی قرار می‌دهند که به طور خودکار آنها را به سوی نظامی محوری در موضوع امنیت سوق می‌دهد و بسیاری از تهدیدات از دایره تهدیدات امنیتی خارج می‌شوند و صرفاً جنگ و پدیده‌های کاملاً مشابه با آن، در چهارچوب تهدیدات امنیتی قرار می‌گیرند؛ لذا مکتب امنیتی رئالیست از امنیت مضیق دفاع می‌کند، بر خلاف مکتب امنیتی کپنهاک از ابعاد موسع امنیتی دفاع می‌کند.

سه اصل اساسی و مشترک رهیافت رئالیستی

۱. دولت گرایی.

۲. خودیاری.

۳. بقا.

رئالیست‌ها در حوزه امنیت به مسائلی مانند: «امنیت بین‌الملل»، «ناامنی»، «بقا»، «موضوعات امنیتی بر محور نظامی»، «خوداتکایی در تحصیل امنیت» و «دولت محوری در مرجع امنیت» می‌پردازند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۶۱).

۲. مرجع امنیت

واقع‌گرایان دولت را مرجع امنیت معرفی می‌کنند و با نفی مسأله امنیت در داخل کشور، آن را صرفاً در سطح بین‌المللی معنادار می‌دانند و منشأ همه پدیده‌ها و وضعیت‌های ناامنی را به خارج از کشور منتسب می‌نمایند. آنها بر این نظرند که دولت‌ها بازیگران مسلط و اصلی نظام بین‌المللی اند و نتیجه می‌گیرند که دولت باید مرجع امنیت قرار داده شود و تمام تهدیدات متوجه دولت خواهد بود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۱)

۳. سطح امنیت

از نظر واقع‌گرایان، امنیت ملی مترادف است با امنیت بین‌الملل و سطح تحلیل از نگاه آنها سطح بین‌الملل است نه سطح داخلی؛ چون در سطح داخلی، وجود اقتدار مرکزی، زندان، اجبار، پولیس و تنبیه مانع از بروز منازعه و درگیری خواهد شد اما در سطح بین‌الملل، هرج و مرج و فقدان اقتدار حاکم، منازعه و درگیری را اجتناب ناپذیر می‌نماید (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۶۷)

۴. خودی و غیر خودی

واقع‌گرایان اساساً پایه‌گذاری راهبرد بزرگ امنیت ملی و یا دکترین امنیت ملی بر پایه همکاری را نفی نمی‌کنند اما با این حال بر نقش اساسی دو عامل: سود نسبی و نگرانی از فریب در این خصوص تاکید دارند.

واقع‌گرایان در نظام آنارشیک بین‌الملل، به دیگران همواره با دید بی‌اعتمادی، هراس و سوء ظن می‌نگرند و بی‌وقفه در تلاش هستند تا با ازدیاد قدرت نسبی، بقای خودشان را تضمین کنند. آنها قائلند به اینکه همه کشورها به کسب یا حفظ حد اقلی از توانمندی‌های نظامی گرایش دارند و هدف آنها در نظام بین‌المللی به حد اکثر رساندن قدرت نسبی آنها در مقایسه با سایر کشورها است.

در مجموع، تمام کشورها نه تنها برای برتری یافتن بر دیگران به دنبال فرصتند، بلکه تلاش می‌کنند کشورهای دیگر بر آنها برتری نیابند (June ۱۹۹۸) و این مسلماً منجر به دنیای رقابت مداوم امنیتی می‌شود؛ رقابتی که همواره احتمال جنگ در پس‌زمینه آن قرار دارد.

دو اصل «خودیاری» و «عدم قطعیت غیر قابل حل» بازیگران را در خصوص قدرت‌مند شدن و آمادگی افزون‌تر نظامی دیگران دچار شک و تردید می‌کنند و این تردید و نگرانی دوجانبه احتمال ایجاد چرخه عمل و عکس‌العمل را تشدید خواهد کرد که نتیجه آن ناامنی بیشتر خواهد بود. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹، نظریه‌های امنیت)

۵. ناامنی امنیت

ناامنی ویژگی بارز و از هنجارهای عادی نظام بین‌الملل است، لذا آنچه که در راهبرد بزرگ امنیت ملی مد نظر قرار دارد کاهش ناامنی است و نظریه رئالیستی قائل به امنیت‌سازی نیست و امنیت مطلق را غیر ممکن می‌داند و سعی دارد باعث جلوگیری از کاهش ناامنی در نظام بین‌الملل شود.

۶. روش‌های تحصیل امنیت

مفروضات امنیتی واقع‌گرایی

۱. هرج و مرج گونه بودن نظام بین الملل (آناشری)
۲. گرایش کشورها به کسب یا حفظ حد اقلی از توانمندی‌های نظامی.
۳. بی‌اعتمادی به دیگران.
۴. بقا موتور محرک کشورها.
۵. تفوق منطق راهبردی و عقلانی بر نگرش و رفتار دولت‌ها. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۶۲)

الگوهای رفتاری بازیگران در رهیافت رئالیستی

۱. سوء ظن، هراس و بی‌اعتمادی.
 ۲. تلاش برای بقا.
 ۳. تلاش برای ازدیاد قدرت نسبی.
- بر این اساس، مکتب رئالیست با این مفروضات، همواره در تلاش است که از طریق ازدیاد قدرت و اعمال زور و اقتدار و قدرت توانمندی‌های نظامی، بقا خودشان را در دنیای پر از هراس و در بین الملل آنارشیک حفظ نماید و جایگاه خودش را از دست ندهد.

۷. راهکارهای استراتژیک امنیتی (حفظ وضع موجود)

رهیافت امنیتی رئالیستی همواره به دنبال حفظ وضع موجود است و با یکسری استراتژی‌ها می‌خواهد که از تغییرات جلوگیری نماید و به وضع فعلی ادامه دهد، لذا طرفداران این مکتب با سه رویکرد اصلی، مدل امنیتی خودشان را طراحی می‌کنند. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۲)

الف) رویکرد تهاجمی

جان‌مر شایمر مروج رویکرد تهاجمی، واقع‌گرایی است که بر شبیه‌سازی هدف تا کسب جایگاه هژمونیک در نظام بین الملل به عنوان رفتار اصلی دولت‌ها خصوصاً قدرت‌های بزرگ تاکید دارد.

مهم‌ترین گزاره‌های رویکرد تهاجمی

۱. ساختاری بودن هرج و مرج در نظام بین الملل.
۲. ناامنی وضعیت اجتناب‌ناپذیر محیط بین الملل.

۳. قاعده بازی با حاصل جمع صفر (اصل قدرت ناب).
۴. بی‌اعتمادی به انگیزه بازیگران (دوست دائمی وجود ندارد).
۵. بازیگران همواره سود نسبی را به سود مطلق ترجیح می‌دهد (اصل چوبین بودن بودن همکاری در راهبرد بزرگ امنیتی).
۶. تقلب و دولت‌های طمع‌کار همواره وجود دارند.
۷. سلطه معادله قدرت - امنیت در نظام بین‌الملل (قدرت بیشتر، امنیت بیشتر). (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۲)

ب) رویکرد تدافعی

- کنت والتس، جوزف گریکو و چارلز گلایزر از مروجان این رویکرد، به امنیت به عنوان اصلی‌ترین منفعت، و بیشینه‌سازی قدرت تا سرحد تضمین بقا به عنوان اصول اساسی خود تاکید دارند که گزاره‌های اصلی آن بدین شرح است:
۱. ساختاری بودن هرج و مرج در نظام بین‌الملل.
 ۲. اصل موازنه تهاجم - تدافع به عنوان عامل امنیت و ناامنی بین‌المللی.
 ۳. بی‌اعتمادی به انگیزه بازیگران، متغیر مداخله‌گر در تشدید معضل امنیتی.
 ۴. امنیت بالاترین منفعت برای دولت‌هاست.
 ۵. دولت‌ها به شدت بازیگران دفاعی اند.
 ۶. سلطه معادله دفاع - امنیت بر نظام بین‌الملل (قدرت در حد کفایت). (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۴)

ج) رویکرد انگیزشی

رندل شولر از برجستگان این رویکرد است و این رویکرد با نقد دو محور از پایه‌های سه‌گانه رهیافت رئالیستی یعنی بقا و انارشی در نظام بین‌الملل، بیان می‌دارد که دولت‌ها در نظام بین‌الملل دارای نیات متفاوتند؛ از جمله: نفوذ، قدرت، ثروت و قلمرو؛ و ممکن است به این اهداف بیش از بقا علاقه‌مند باشند.

- این رویکرد انارشی را ذاتا بد نمی‌داند، بلکه انارشی زمانی بد است که انگیزه‌های تهاجمی برای کسب قدرت و ثروت پشت سر آن قرار گیرد.
- گزاره‌های اصلی رویکرد انگیزشی
۱. تقسیم دولت‌ها به دو دسته جویای امنیت و طمعکار.
 ۲. نشانه‌های پرهزینه و شفافیت، مرز میان دولت‌های جویای امنیت و طمعکار.
 ۳. بی‌اعتمادی بزرگترین تهدید دولت‌های جویای امنیت. (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۳۶)

مکتب امنیتی امام خمینی علیه السلام

مقدمه

مطالعات امنیتی در علوم اسلامی، به اندازه تاریخ اسلام قدمت دارد؛ زیرا پیدایش اسلام مباحث طولانی امنیتی را با خود همراه داشته است. (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴، ش ۲۶)

در الگوی سکولاریستی مثل مکتب امنیتی رئالیستی، ایده‌الیستی، کپنهاک، جهان سوم و غیره، دنیا قطع نظر از آخرت مورد مطالعه است، لذا در علوم امنیتی این مکاتب، فقط بقای دنیوی موضوع مطالعه است.

اما در الگوی اسلامی، دنیا به عنوان مزرعه و مقدمه برای آخرت بوده و در علوم امنیتی اسلامی، بقای دنیوی، مقدمه بقاء اخروی و ابدی و لقاءالله است. (لکزایی، ۱۳۹۴: ۲۶)

در این بخش از مقاله سعی بر این است که مؤلفه‌های کلیدی امنیت همچون: مفهوم، ابعاد، مرجع، روش‌های تحصیل امنیت، راهکارهای استراتژیک و مؤلفه‌هایی از این قبیل حتی الامکان از منظر حضرت امام علیه السلام تبیین شود.

۱. امنیت از دیدگاه حضرت امام

الف) امنیت و بقاء ابدی

در مکاتبی که ساخته و دست پرداخته انسان بوده و بریده از وحی می‌باشند، امنیت دارای مفهوم این جهانی است؛ ولی در نگاه حضرت امام که نگاه متخذ از وحی و اسلام است،

امنیت مفهوم متعالی دارد. از این رو، امنیت از منظر ایشان، به معنای بقاء ابدی و متکی بر بعد مادی و معنوی است و باید دقت کرد که این بقای ابدی بدون بقای دنیوی قابل وصول نیست. حضرت امام علیه السلام در پیامی می گوید:

واصلوا عزمکم و ثباتکم و لا تخشوا الاغتيال، لا تخافوا الشهادة، و لستم بخائفین، ان الشهادة عز ابدی، حیاة ابدیة، هم الذین یجب ان یرهبوا الموت لانهم یرونه نهاية الانسان، اما نحن الذین نری ان الانسان باق و نری الحیاة الخالدة افضل من هذه الحیاة المادیة (امام خمینی، صحیفه الامام، ج ۷: ۱۸۵).

هدف نهایی جهاد در این موارد، بقای ابدی و رسیدن انسان به کمال و سعادت دنیوی و اخروی انسان است که این همان امنیت به معنای واقعی از دیدگاه حضرت امام است. باید دانست که بقاء ابدی انسان مرتبط با زندگی اجتماعی و سیاسی او بوده و در تعامل با دیگر انسان ها شکل می گیرد (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲، ص ۲۰۲) و این بقاء به صورت طبیعی مستلزم حفظ ارزش ها و رفع تهدیدات است. از باب مثال، کلمه اسلام و شعایر ایمان از جمله مهم ترین ارزش ها است که جهاد یا بذل مال بخاطر آن صورت می گیرد. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۳)

در قران کریم و احادیث اهل بیت علیهم السلام نیز بر حفظ ارزش ها تاکید شده است:

۱. «یا ایها الذین امنوا لا تحلوا شعایر الله» (مائده/۲).

۲. «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ». (آل عمران/۱۰۰)

فلاح اشاره به رستگاری دنیا و آخرت و حفظ ارزش ها دارد.

ب) حذف تهدید و ایجاد امنیت برای اسلام و مسلمین

بر اساس آموزه های اسلام، جهاد در برابر کسانی که تهدید علیه اصل اسلام و سر زمین ها و جامعه اسلامی بوده و امنیت اسلام و مسلمین را در این موارد دچار خطر می سازد، واجب است: «و من هجم علی بلاد الإسلام من غیرهم علی وجه یخشی منه علی بیضة الإسلام أو علی أسر المسلمین و قتلهم و سبی ذراریهم». (نجفی، جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۶)

حضرت امام علیه السلام می‌گوید: «و ادعوا فی الاجتماعات العامة الی عظمة الاسلام و البلاد الاسلامیه و قطع دابر الاجانب و لاسیما اسرائیل التي هی فی حاله الحرب مع الاسلام و المسلمین»؛ (امام خمینی، صحیفه الامام، ج: ۱: ۳۲۴) که در این‌جا حضرت امام به مقابله به کسانی دعوت می‌کند که از طریق هجمه به اصل اسلام، مسلمانان و بلاد مسلمین، سعی در برهم‌زدن امنیت و آرامش و براندازی دارند.

ایشان در جای دیگری به عبارات متفاوتی همین مطالب را بیان کرده و می‌گوید:

و علی الطبقة الشابة البصيرة فی الخارج و الداخل ان يحكموا علاقاتهم، و ينضوا تحت لواء الاسلام الذي هو لواء التوحيد الوحيد، ليدافعوا عن حق الانسانية و الانسان متناغمين متجاوبين حتى تنقطع ايدي الاجانب بإذن الله تعالى عن البلاد الاسلامیه (امام خمینی، صحیفه الامام، ج: ۳: ۲۰۱).

من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند. (صحیفه امام، ج: ۲۰: ۲۳۸)

۲. ابعاد امنیت

مکاتب بشری به‌خاطر روی‌کرد صرفاً دنیوی‌شان، ابعاد امنیت را موسع یا مضیق می‌دانند؛ اما در فرهنگ قرآنی و اسلامی، امنیت دارای مفهوم وسیع، متوازن، عمیق و تعالی‌یافته بوده و شامل بعد دنیوی و اخروی، مادی و معنوی و شامل تمام ابعاد زندگی همچون: حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، داخلی و خارجی می‌شود. (دری، ۱۳۸۱: ۲۱۴)

نکته مهم اینست که در هر دو دیدگاه موسع و مضیق مکاتب بشری، ابعاد ترسیم شده برای امنیت، این جهانی است؛ درحالی که ابعاد امنیت از دیدگاه اسلام تعالی یافته بوده و امور دنیوی و اخروی را با هم دربر می‌گیرد.

با این وجود، امنیت از دیدگاه امام خمینی، مشمول گستره‌ای است که از فرد آغاز و به اجتماع، کشور و سپس کل جهان تسری می‌یابد و نا امنی نیز در فرایند مشابه و با وسوسه‌های شیطانی آغاز و سایرین را هدف می‌گیرد. از همین‌رو، منشأ امنیت در دیدگاه امام، جهان‌شمول و حتی فراتر از جامعه اسلامی، مظلومان و مستضعفان از هر دین و ملت و نژاد را تحت

پوشش قرار می دهد.

ایشان در وصیت نامه اش می گوید:

اسلام مکتبی است که بر خلاف مکتب‌های غیرتوحیدی، در تمام شئون فردی و اجتماعی و مادی و معنوی و فرهنگی و سیاسی و نظامی و اقتصادی دخالت و نظارت دارد و از هیچ نکته، و لو بسیار ناچیز که در تربیت انسان و جامعه و پیشرفت مادی و معنوی نقش دارد فروگذار نموده است و موانع و مشکلات سر راه تکامل را در اجتماع و فرد گوشزد نموده و به رفع آنها کوشیده است. (امام خمینی، وصیتنامه سیاسی-الهی، ص ۱۸)

حضرت امام فراتر از رویکردهای موجود، امنیت را در خدمت فرایند شدن و غایت انسان (نیل به سعادت دنیوی و اخروی) دانسته و از این رو، ابعاد متنوع‌تری برای امنیت قائل است: «انسان اگر درست شد، آرامش در یک مملکتی پیدا می شود». (صحیفه امام، ج ۸: ۹۶)

امام، استقرار عدالت، زمینه‌سازی برای شکوفایی انسان‌ها، رفع موانع مادی و غیرمادی فراروی مسیر تکاملی بشریت و در نهایت، شکوفاسازی تمامی توان‌مندی‌ها و استعداد‌های الهی در ذات انسان را مطمع نظر قرار می دهد.

امنیت در مکتب امنیتی - اسلامی حضرت امام، سه لایه تعریف می شود: ۱- امنیت جسمی و دنیایی ۲- امنیت اخلاقی ۳- امنیت اعتقادی و روحی. (لکزایی، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

ایشان می گوید: «اینکه احتیاج به انبیا ما داریم برای اینکه انسان مثل حیوان نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود... چونکه تربیت انسان به همه ابعادش، هم تربیت جسمی و هم روحی و هم عقلی و هم مافوق آن نمی شود در عهده بشر باشد، برای اینکه بشر اطلاع ندارد از احتیاجات انسان و کیفیت تربیت انسان نسبت به ماورای طبیعت». (صحیفه امام: ۱۸۶/۴)

بنابراین؛ در امنیت مورد نظر امام به دنیا نیز توجه می شود؛ اما در تعارض بین دنیا و عقبی، همیشه ارزش‌های معنوی بر ارزش‌های مادی مقدم است.

با وجود رجحان و برتری بعد اخروی امنیت در اندیشه امام، این حقیقت کاملاً واضح است که تحقق این بعد از امنیت، آنگاه امکان پذیر است که انسان در حیات دنیوی و مادی خویش، چه در سطح فردی و اجتماعی و چه در جنبه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی،

فرهنگی، نظامی، روانی و غیره، از امنیت برخوردار باشد که با تأمل در آثار مختلف امام خمینی علیه السلام می‌توان جنبه‌ها و وجوه گوناگونی را برای امنیت برشمرد.

۳. مرجع امنیت

در مباحث امنیت‌پژوهی معمولاً به عوامل مختلفی همچون: عوامل تأمین‌کننده، تهدیدکننده، موضوع و مرجع امنیت پرداخته می‌شود که اصطلاحاً با عناوین: «امنیت چگونه»، «امنیت از چه»، «امنیت برای چه» و «امنیت چه کسی یا چیزی» از آنها یاد می‌شود. (افتخاری، ۱۳۹۱، ۸۰)

«مرجع امنیت»، بالاترین هدف در موضوعات امنیتی است که از بیشترین اهمیت در میان موضوعات دیگر برخوردار است، ولی در عین حال از بیشترین دامنه منازعات نیز برخوردار می‌باشد.

بنابراین؛ مرجع امنیت عبارت است از چیزی که اولاً: تهدید متوجه آن است؛ ثانیاً: برای حفظ بقای آن می‌توان به تدابیر اضطراری توسل جست. (پورسعید، ۱۳۸۹: ۳۲)

در تعریف دیگر از مرجع امنیت، آن را عبارت از واحدی دانسته‌اند که با هدف تقلیل تهدیدها و تأمین امنیت پایدار، موضوع سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های امنیتی واقع می‌شود. (کریمی مله، ۱۳۸۴: ۷۶۸)

برای شناسایی مرجع امنیت در هر حوزه و سطح امنیتی، نخست باید همه موضوعات دخیل در آن حوزه شناسایی و فهرست شود تا در گام بعدی بتوان از میان آنها «مرجع امنیت» را تعیین نمود.

مرجع امنیت از منظر امام دارای سه کانون اصلی است که در تعامل با همدیگر یک کل را تشکیل می‌دهد و هر یک از کانون‌ها خود را به عنوان پاسخ‌دهنده به سه سوال اساسی یعنی «امنیت چه کسی تأمین شود، امنیت توسط چه کسی تولید شود و چه کسی امنیت را تعریف می‌کند» معرفی می‌کند. (لک‌زایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ۲۶).

مرجع یعنی همه باید تابع آن بوده و همه چیز را برای آن بدهیم. با این وجود، مرجع

امنیت از دیدگاه حضرت امام علیه السلام، خود «اسلام» بوده و این همان چیزی است که مسلمانان به خاطر آن حاضرند از همه امنیت‌های دیگر، مثل اقتصادی و جانی بگذرند. (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

امام می‌گوید: «ما مکلف هستیم که اسلام را حفظ کنیم، این تکلیف از واجبات است، حتی از نماز و روزه واجب‌تر است. همین تکلیف است که ایجاب می‌کند خون‌ها در انجام آن ریخته شود». (ولایت فقیه، ۱۳۸۱: ۶۷).

همچنین ایشان می‌گوید: حفظ جان مسلمان بالاتر از سایر چیزهاست، حفظ خود اسلام از جان مسلمان هم بالاتر است. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۱۱۶) حفظ اسلام یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض، یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. (امام خمینی، صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۲۹)

در شرایط عادی، امنیت اقتصادی برای مسلمانان مهم است، اما در شرایط تراحم جان مسلمان یا مال، می‌گوییم جان مهم‌تر است اما اگر سرزمین اسلامی در خطر باشد، مسلمانان جان خود را برای سرزمین اسلام فدا می‌کنند. چنانچه جان امام در خطر باشد مسلمانان جان خود را فدای جان امام می‌کنند تا امام زنده بماند؛ اما اگر اسلام در خطر باشد و تنها نجات اسلام این باشد که جان امام به خطر بیفتد، امام هم حاضر است جان خود را فدای اسلام کند. پیامبر اکرم (ص) شخصا خود در جنگ‌ها شرکت می‌کردند. همان‌سان که امیرالمؤمنین (ع) نیز در جنگ‌ها شرکت فوق‌العاده فعالی داشتند. سیره امام حسن (ع) و امام حسین (ع) نیز همین بوده است. شهادت امام حسین (ع) در کربلا دقیقاً بر اساس همین معیار است که جان خودش را قربانی اسلام نمودند. (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

امام خمینی در یکی از دیدارهای خود مهم‌ترین نگرانی‌شان را که حتی بالاتر از شکست است، عدم عمل به اسلام و عدم پاسداری درست از اسلام دانسته و گفته است این از هر نگرانی مهم‌تر است و آن را به همه اقشار متذکر شدند.

ایشان در جای دیگر می‌گوید: ... همه دست به دست هم بدهید و اسلام را نجات دهید ... اگر از دولت اسلامی خلافتی صادر بشود، اسلام را لکه‌دار می‌کنند. (صحیفه امام، ۸: ۴۲۲)

چیز دیگری که در اینجا روشن می‌شود اینست که مرجع امنیت در اسلام ذومراتب و اسلام مرجع المراجع است، بعد از آن پیامبر اسلام (ﷺ)، بعد امام علی و همین طور عرض، نفس، مال و امثال آن؛ منتهی در جایی که تعارض مراجع پیش بیاید بر اساس قاعده‌ی اهم و مهم، حق تقدم با اهم است. پس می‌توان گفت، با رویکرد اسلامی، مرجع امنیت بر اساس اولویت‌بندی مسایل و قاعده‌ی «اهم و مهم»، در درجه‌ی اول «اسلام» است و سپس موارد بعد از آن.

۴. سطح امنیت

سطح امنیت در اسلام، انسان بوده و از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا سازنده امنیت در سطوح بعدی، یعنی سطوح خانوادگی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، انسان است. حضرت امام علیه السلام به حدی روی اصلاح انسان پافشاری می‌کند که آن را مقدم بر همه چیز قرار می‌دهد؛ چون اگر انسان اصلاح نشود موجبات ناامنی، خطرات و خیانت‌های بسیاری را فراهم می‌کند.

همه مملکت باید مشغول بشوند برای اصلاح خودشان، اول اصلاح آدم‌ها را بکنند که مقدم بر همه چیز است. دانشگاه‌ها را مرکز تربیت قرار دهید؛ علاوه بر دانش، تربیت لازم است؛ اگر یک دانشمندی تربیت نداشته باشد مضر است، خیانت می‌کند. (صحیفه امام، ۲۸/۱۲)

دین اسلام برای سعادت و امنیت انسان آمده است. اسلام، متناسب با سطوح و لایه‌های وجودی انسان سه بخش دارد:

۱. اصول دین: برای تنظیم باورهای انسان، یعنی ساحت روح و عقل.

۲. اخلاق: برای تهذیب نفس.

۳. فقه: برای تنظیم رفتار انسان. (لک‌زایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

حضرت امام علیه السلام در این خصوص می‌گوید:

این طور است که قرآن مشتمل بر همه چیز است. یعنی یک کتاب آدم‌سازی است. همان طوری که آدم همه چیز است: معنویت دارد، مادیت دارد، ظاهر دارد، باطن دارد، قرآن کریم هم که آمده است این انسان را بسازد، همه ابعاد انسان را می‌سازد؛

یعنی کلیه احتیاجاتی که انسان دارد، چه احتیاجاتی که شخص دارد و چیزهایی که مربوط به شخص است، روابط بین شخص و خالق تبارک و تعالی و مسائل توحید، مسائل صفات حق تعالی، مسائل قیامت - اینها هست [و چه] مسائل سیاسی و اجتماعی و قضیه جنگ با کفار و اینها (صحیفه امام، ج ۴: ۴۴۸).

ایشان در جای دیگری در این رابطه می گوید:

هر صورت اسلام مثل مذاهب دیگر، یعنی مذاهبی که حالا ظاهرش به ما رسیده، آن طور نیست. همه چیزهای انسان را می سازد. هم انسان را از حیث عقل می سازد، هم انسان را از حیث اخلاق و تهذیب اخلاق می سازد، هم انسان را از حیث ظاهر و آداب ظاهری می سازد، هم در همه اموری که انسان به آن احتیاج دارد، اسلام دخالت دارد (صحیفه امام، ج ۴: ۴۴۹).

اسلام، و همین طور سایر حکومت‌های الهی و دعوت‌های الهی، به تمام شئون انسان از آن مرتبه پایین، مرتبه درجه پایین، تا هر درجه‌ای که بالا برود، همه اینها را سر و کار با آن دارد (صحیفه امام، ج ۳: ۲۲۰).

با توجه به آنچه گفته شد، امنیت سه سطح و لایه دارد:

۱. سطح قلبی - اعتقادی، فلسفی و کلامی که از آن با عنوان حوزه «باورها» یاد می کنیم.
۲. سطح قلبی - اخلاقی که از آن با عنوان حوزه «گرایش‌ها» یاد می کنیم.
۳. سطح ظاهری، فقهی و مادی که از آن با عنوان حوزه «رفتارها» یاد می شود. (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶).

توجه در گفتار امام خمینی رحمته الله علیه گفته فوق را تثبیت می کند؛ ایشان در قسمتی از گفتارش

ابراز می دارد:

انبیا، هم همان چیزهایی که مربوط به روح و مربوط به مقامات عقلیه و مربوط به مراکز غیبیه است برای ما بیان کرده اند، و قرآن هم بیان کرده است و اهلس می دانند، و هم آن چیزهایی که وظایف شخصیه است و دخیل در ترقیات انسان و تکامل انسان است، در سنت و در کتاب بیان شده است و هم آن چیزهایی که مربوط به اجتماع است و امور سیاسی است و امور اجتماعی است و راجع به تنظیم و تربیت اجتماع است، بیان فرموده است. و ما همه و همه بشر مکلفند بر اینکه

همه این مراتب را، همه این مقامات را مواظبت کنند و منحصر به یک طرف نکنند
(صحیفه امام، ج ۳: ۲۳۷).

۵. سطوح تهدیدات امنیتی

با توجه به تقسیم‌بندی سطوح امنیت در سه سطح فوق، سطوح ناامنی‌ها و تهدیدها نیز با همین سه سطح تعریف و سطح‌بندی می‌شوند:

الف) تهدیدات مربوط به حوزه باورها

امام می‌گوید:

معاندین با تبلیغات سوء می‌خواهند باور اسلامی مردم را از ایشان بگیرند و عقاید آنها را در مورد اسلام سست کنند و اسلام را یک دین ارتجاعی معرفی کنند، و آنهایی که یک قدری جرأت‌شان زیادتر بوده است، گفتند که ارتجاع است، اصل دین در بین بشر که آمده است، برای این است که مردم را خواب کند؛ ... دین از اول به دست قدرت‌مندا و سرمایه‌دارها پیدا شده، برای اینکه به واسطه دیانت مردم را آرام کنند و آن‌ها مال مردم را بخورند. کم کم این مطلب باور حتی خود مسلمان‌ها، حتی بعضی از روحانیون و معممین هم... آمده است که نه، این (دین) یک چیزی است که حالا نمی‌شود این را پیاده کرد. (صحیفه امام، ج ۴: ۱۷)

ب) تهدیدات مربوط به حوزه گرایش‌ها

حضرت امام علیه السلام در مورد ایمن شدن انسان از گرایش‌ها و رذایل اخلاقی می‌گوید:

هان ای عزیز! از خواب غفلت بیدار شو! از غفلت تنبه پیدا کن و دامن همت به کمر زن، و تا وقت است فرصت را غنیمت بشمار، و تا عمر باقی است و قوای تو در تحت تصرف تو است و جوانی برقرار است و اخلاق فاسده بر تو غالب نشده و ملکات رذیله بر تو چیره نگردیده، چاره‌ای کن و دوایی برای رفع اخلاق فاسده و قبیحه پیدا کن و راهی برای اطفاء نائرة شهوت و غضب پیدا نما (چهل حدیث: ۲۵).

ج) تهدیدات مربوط به حوزه رفتارها

حضرت امام رحمته الله علیه در مورد غربی‌ها و مخالفین اسلام و تهدیدات فرهنگی که از جانب اینها می‌شوند تا انسان‌ها را از پیروی دین اسلام باز دارند و از این رهگذر به مطامع شوم شان برسند، می‌گوید:

مثلا تبلیغ کردند که اسلام دین جامعی نیست، برای جامعه نظامات و قوانین ندارد، طرز حکومت و قوانین حکومتی نیاورده است، اسلام فقط احکام حیض و نفاس است، اخلاقیاتی هم دارد، اما راجع به زندگی و اداره جامعه چیزی ندارد (ولایت فقیه، حکومت اسلامی، متن: ۱۱).

۶. خودی و غیر خودی

نگاه امنیتی اسلام از منظر امام، در مورد خودی و غیر خودی این است که امنیت اسلامی به طور عموم از ناحیه غیر خودی‌ها تهدید می‌شود. آنان که در جبهه اسلام‌اند خودی شمرده شده و آنان که با طاغوت‌ها همگام‌اند غیر خودی و تهدید برای امنیت جامعه اسلامی به حساب می‌آیند. الله، طاغوت، مؤمن، کافر، منافق، فاسق و سایر مفاهیم در قرآن، درباره خودی و غیر خودی است.

جهاد در اسلام نیز برای نابودی طاغوت و رفع تهدید از غیر خودی‌هاست.

امام می‌گوید:

آن روز مبارک است برای اسلام و ملت‌های اسلامی که دست ستمگران و خون‌آشامان از کشورهای اسلامی کوتاه شود. و آن روز مبارک است برای ملت شریف ما که جمهوری اسلامی به تمام معنا در کشور اسلامی پیاده شود و احکام مترقی به جای احکام ضد انسانی برقرار گردد (صحیفه امام، ج ۱۳: ۲۷۱).

جهان از دیدگاه ایشان، عرصه نبرد الهی با ولایت طاغوت است. عرصه نبرد حق و عدل با ظلم و باطل است. قرآن کریم در ترسیم این دو جریان می‌فرماید: **الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات الی النور و الذین کفروا اولیائهم الطاغوت ینخرجونهم من النور الی الظلمات ...**

امام خمینی با تمسک به چنین آیاتی است که می‌گوید: «لا اله الا الله و محمد رسول الله» بر تمام جهان ظنین نیفکنند، مبارزه هست و تا مبارزه در هر کجای جهان علیه مستکبرین هست، ما هستیم». (صحیفه امام، ج ۱۲: ۱۴۸)

در بحث امنیت، هرکسی که در تأمین امنیت اسلام و مسلمین و جامعه اسلامی شرکت نماید، خودی به حساب می‌آید؛ از این‌رو، اهل کتاب و اهل ذمه وقتی جزیه را پرداخت می‌کنند در جرگه خودی است؛ چون با پرداخت مال در تأمین امنیت شرکت نموده است. برعکس خوارج با آنکه مسلمان است ولی چون امنیت جامعه اسلامی را به خطر انداخته است غیر خودی است. کما اینکه مانعین زکات، بغات و شورشیان، به خاطر سلب امنیت از جوامع اسلامی، غیر خودی به حساب می‌آیند.

از عبارات صاحب جواهر در موارد مختلف، این مطلب به دست می‌آید؛ همانند:

۱. «الأول فیمن یجب جهاده، و هم ثلاثة الأول البغاة علی الإمام من المسلمین و یلحق بهم مانعوا الزکاة و إن لم یكونوا مستحلین کما تعرفه إن شاء الله». (جواهر، ج ۲۱، ص ۴۶)

بغات با اینکه از مسلمین است چون امنیت جامعه اسلامی را به هم زده و علیه امام مسلمین شورش کرده است، غیر خودی محسوب شده و جهاد با آن واجب است.

۲. «و الثانی أهل الذمة، و هم اليهود و النصارى و المجوس إذا أخلوا بشرائط الذمة و الثالث من عدا هؤلاء من أصناف الکفار، و کل من یجب جهاده». (جواهر، ج ۲۱، ص ۴۶)

عبارات مرحوم کاشف‌الغطاء نیز به همین مطلب اشاره دارد:

۳. «الجهاد لیحفظ بیضة الإسلام إذا أراد الکفار المستحقون لغضب الجبار الهجوم علی أراضی المسلمین، و بلدانهم و قراهم». (کشف‌الغطاء، ج ۴، ص ۲۸۷)

این جا کفار، غیر خودی محسوب است و جهاد با آنان در صورت فوق واجب است.

۴. مسلمان خودی است. مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبان او در امان

باشند. (نهج‌الفصاحه، ص ۵۶۱)

به همین دلیل که مسلمان، خودی است؛ پیمان و امان‌دادن یک مسلمان معتبر شمرده می‌شود. «و لو اقر المسلم انه اذم المشرک فان کان فی وقت یصح منه انشاء الامان قبل».

(جواهر، ج ۲۱، ص ۱۰۰).

۵. معاهد و کسانی که اهل ذمه هستند خودی شمرده می‌شوند. ولی این وضعیت تا مادامی است که معاهد یا ذمی به شرایط عمل کند. از این رو معاهد و ذمی بصورت موقت خودی شمرده می‌شود؛ از این رو، اگر اهل ذمه تلاش کند فرزندان شان را یهودی بار آورد غیر خودی شمرده می‌شود. «علیهم ان لا یهودوا اولادهم». (جوهر، ج ۲۱، ص ۲۷۵)

۷. روش‌های تحصیل امنیت

مهم‌ترین روش و ابزار تولید و حفاظت از امنیت تولید شده، «ایمان» به اضافه پرهیز از ظلم و نیز دعوت دیگران به این امر است: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن». (انعام/۸۲)

ایمان شامل ایمان به خدا، ایمان به انبیاء، ایمان به آخرت، ایمان به غیب، ایمان به ملائکه، ایمان به قرآن و غیره می‌شود.

همچنین ظلم هم شامل ظلم به خود، ظلم به خدا، ظلم به خلق و ظلم به طبیعت می‌گردد؛ از طرفی هم امنیت هم شامل امنیت دنیوی و هم شامل امنیت اخروی می‌شود. (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

طبق فرمایش قرآن کریم، امنیت محصول علم فقط نیست، محصول ایمان و عمل است. در اسلام و قرآن بر رابطه مستقیم و مستحکم ایمان و امنیت تاکید و تصریح شده و تحقق امنیت عینی و ذهنی تنها در پرتو ایمان الهی و پیروی از امامت صالحان و معصومین ممکن است و امنیت الهی، منبع تمام آرامش‌ها و امنیت‌ها است: «الا بذكر الله تطمئن القلوب». (رعد/۲۸)

امام، مبتنی بر آیات و روایات، ریشه تمام ناامنی‌ها را ناشی از ولایت طاغوت می‌داند که با وسوسه شیطان‌های درونی و بیرونی، عینیت و تحقق می‌یابد.

اندیشه‌های راهبردی و امنیت‌ساز امام، بر اساس لایه‌های سه‌گانه‌ای که برای انسان قائل است، یعنی عقل، قلب و ظاهر (امام خمینی، شرح چهل حدیث: ۳۸۶) در سه بخش قابل طبقه‌بندی است: ۱. راهبردهای سیاسی - اعتقادی ۲. راهبردهای سیاسی - اخلاقی ۳. راهبردهای فقهی - حقوقی.

آنچه گفته شد، راهبردی است که خروجی آن «انسان دین‌دار»، «جامعه دین‌دار» و «حکومت دین‌دار» می‌شود. (لک‌زایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

رسیدن به این نتایج و تداوم آنها در گرو راهبردی است که به زبان دینی می‌توانیم آن را «راهبرد زندگی جهادی» بنامیم. راهبرد زندگی جهادی در چهار لایه و چهار سطح نهادینه می‌شود:

الف) جهاد اکبر که موضوع آن نفس انسان است و با مبارزه با بنیادها و ریشه‌های تولید نا امنی یعنی خودخواهی، روحیه استکباری و سلطه‌گری می‌پردازد: «الذین آمنوا و لم یلبسوا ایمانهم بظلم اولئک لهم الامن». (انعام/ ۸۲)

ب) جهاد کبیر که عبارت است از رساندن پیام الهی به گوش جهانیان و دعوت کافران به سوی حق: «فلا تطع الکافرین و جاهدهم به جهادا کبیرا». (فرقان/ ۵۲)

ج) جهاد افضل که مبارزات و اقدامات سیاسی است: «إن افضل الجهاد کلمه عدل عند امام جائر». (اصول کافی، ج ۵: ۶۰)

د) جهاد اصغر که مقابله با تهدیداتی از قبیل فتنه و سرکشی داخلی، بغی و خروج، قطع طریق (راهزنی)، نفاق، تجاوز به اراضی مسلمانان، جنگ غذایی، اقدامات جاسوسی، برهم زدن آگاهی امنیتی (با شایعات و دروغ‌ها)، شعله‌ور کردن روح نافرمانی داخلی و تهدیداتی از این قبیل است.

جهاد اصغر جهادی است که مسلمانان با استفاده از ابزارهای نظامی با کسانی می‌جنگند که با دین مسلمانان در نبردند یا به سرزمین مسلمین طمع می‌ورزند: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه». (لک‌زایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

۸. راهکارهای استراتژیک تأمین امنیت:

در بسیاری از تئوری‌ها و مکاتب امنیتی، به ویژه تئوری‌های مدرن، به دلیل نگاه معرفت‌شناختی اثبات‌گرایانه، ویژگی‌هایی که برای اهداف برشمرده می‌شود نیز متأثر از ماده‌گرایی می‌باشد.

اما راهکارهای استراتژیک تأمین امنیت از نگاه امام، تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است.

یکپارچگی جهان اسلام، شکل‌گیری امت واحده اسلامی، تشکیل حکومت‌های جهانی اسلام، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت و دین نبوی، حمایت مجدانه از مستضعفان و مظلومان جهان، گسترش اسلام نبوی و تشیع علوی در سراسر گیتی در راستای زمینه‌سازی و تمهید مقدمات ظهور امام عصر علیه السلام و زمینه‌سازی برای جریان‌یابی کامل هدایت الهی در جامعه بشری را می‌توان از اهداف امنیتی ایشان نام برد.

«من به صراحت اعلام می‌کنم که جمهوری اسلامی با تمام وجود برای احیای هویت اسلامی مسلمانان در سراسر جهان سرمایه‌گذاری می‌کند». (صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۲۳۸)

امام در بیان مزایای امنیتی اسلام، استقرار عدالت، زمینه‌سازی برای شکوفای انسان‌ها، رفع موانع مادی و غیرمادی فراروی مسیر تکاملی بشریت و در نهایت، شکوفاسازی تمامی توان‌مندی‌ها و استعدادهای الهی در ذات انسان را مطمع نظر قرار می‌دهد.

تغییر وضع موجود با تحقق حکومت جهانی اسلامی که با ظهور حضرت مهدی (عج) همراه است، حاصل خواهد شد، اما تا آن زمان وظیفه اینست که به مطلوب مقدر اندیشیده شود که این مهم در هر عصر و زمانی از سوی رهبر جامعه اسلامی تعیین می‌شود: «لا یکلف الله نفسا الا وسعها». (لکزایی، آفاق امنیت، ۱۳۹۴: ش ۲۶)

مقایسه مکتب امنیتی رئالیست و حضرت امام علیه السلام

با نگاهی به مکتب امنیتی رئالیستی و مکتب امنیتی حضرت امام خمینی علیه السلام، می‌توان به تفاوت‌های زیاد این دو مکتب در ایجاد امنیت پی‌برد که به آن تفاوت‌ها اشاره می‌گردد:

الف) مکتب امنیتی رئالیستی در مفهوم امنیت، امنیت را مترادف با بقا تلقی می‌کند و بقا نیز به عنوان امکان ادامه حیات دولت - کشور در نظام بین‌الملل در نظر گرفته می‌شود.

اما مکتب امنیتی حضرت امام علیه السلام، مفهوم امنیت را با بقای ابدی پیوند می‌زند، یعنی مقدم بودن ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی؛ و بقای ابدی چیزی است که به همه ابعاد زندگی انسان، شکل جدیدی می‌دهد و تنظیم امور انسان در ابعاد مختلف زندگی بر آن اساس است. در واقع بر خلاف همه مکاتب مادی، امنیت در نگاه حضرت امام، مفهوم متعالی داشته و

بر هر دو بعد مادی و معنوی استوار است.

ب) مکتب رئالیستی، در بحث ابعاد امنیت، امنیت را در چارچوب کاملاً مشخص و محدودی قرار می‌دهد که به طور خودکار آن را به سوی نظامی محوری در موضوع امنیت سوق داده و صرفاً جنگ و پدیده‌های کاملاً مشابه با آن، در چهارچوب تهدیدات امنیتی قرار می‌گیرد؛ لذا مکتب امنیتی رئالیست از امنیت مضیق دفاع می‌کند.

اما از نگاه حضرت امام علیه السلام، امنیت مفهوم وسیع، متوازن و دارای عمق و تعالی یافته داشته و شامل بعد دنیوی و اخروی، بعد معنوی و مادی و تمام ابعاد زندگی، اعم از حوزه‌های: اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، داخلی، خارجی و غیره می‌شود.

ج) واقع‌گرایان دولت را مرجع امنیت معرفی نموده و با نفی مسأله امنیت در داخل کشور، آن را صرفاً در سطح بین‌المللی معنادار دانسته و منشأ همه پدیده‌ها و وضعیت‌های ناامنی را به خارج از کشور منتسب می‌نمایند.

اما از منظر حضرت امام علیه السلام مرجع امنیت اگر به شکل مطلق گفته شود؛ خود «اسلام» است. یعنی چیزی که مسلمانان به خاطر آن حاضرند از همه امنیت‌های دیگر، مثل اقتصادی، جانی و غیره بگذرند و این اسلام است که مرجع المراجع است به گونه‌ای که حتی معصومین علیهم السلام هم در صورت به خطر افتادن اصل اسلام، حاضراند جان خود را فدای اسلام نمایند.

د) - سطح تحلیل از نظر مکتب امنیتی رئالیست مترادف است با سطح بین‌الملل نه سطح داخلی؛ چون در سطح داخلی، وجود اقتدار مرکزی، مانع از بروز منازعه خواهد شد اما در سطح بین‌الملل، فقدان اقتدار حاکم، منازعه و درگیری را اجتناب ناپذیر می‌نماید.

اما در مکتب امنیتی امام علیه السلام، سطح امنیت، انسان بوده و از اهمیت اساسی برخوردار است؛ زیرا سازنده امنیت در سطوح بعدی، یعنی سطوح خانوادگی، اجتماعی، ملی، منطقه‌ای و جهانی، انسان است. حضرت امام علیه السلام به حدی روی اصلاح انسان پافشاری می‌کند که آن را مقدم بر همه چیز قرار می‌دهد؛ چون اگر انسان اصلاح نشود موجبات ناامنی، خطرات و خیانت‌های بسیاری را فراهم می‌کند.

ه) - از نظر خودی و غیر خودی، واقع‌گرایان در نظام آنارشیک بین‌الملل، به دیگران

همواره با دید بی‌اعتمادی، هراس و سوء ظن نگریده و بی‌وقفه در تلاش‌اند تا با ازدیاد قدرت نسبی، بقای خودشان را تضمین نموده و همواره بر نقش اساسی دو عامل: سود نسبی و نگرانی از فریب در این خصوص تاکید دارند و اساساً پایه‌گذاری راهبرد بزرگ امنیت ملی و یا دکترین امنیت ملی بر پایه همکاری را نفی می‌کنند.

اما نگاه امام خمینی علیه السلام در مورد خودی و غیر خودی این است که آن‌هایی که در جبهه اسلام‌اند خودی شمرده می‌شوند، و آنانی که با طاغوت‌ها همگام‌اند غیر خودی و تهدید برای امنیت جامعه اسلامی به حساب می‌آیند. الله، طاغوت، مؤمن، کافر، منافق، فاسق و سایر مفاهیم در قرآن، درباره خودی و غیر خودی است.

و- مکتب رئالیست طبق مفروضات امنیتی خود (انارشیک بودن بین‌الملل، بی‌اعتمادی به دیگران، بقا به عنوان موتور محرک) همواره در تلاش است که قدرت نسبی خود را زیاد کند تا از این رهگذر بتواند بقای خود را در این دنیای بی‌اعتمادی و در بین‌الملل انارشیک حفظ نماید.

اما از نگاه حضرت امام علیه السلام مهم‌ترین روش تحصیل امنیت «ایمان» همراه با «پرهیز از ظلم» است؛ که ایمان شامل ایمان به خدا، ایمان به انبیاء، ایمان به آخرت، ایمان به غیب، ایمان به ملائکه، ایمان به قرآن و غیره، و ظلم هم شامل ظلم به خود، ظلم به خدا، ظلم به خلق و ظلم به طبیعت؛ و امنیت هم شامل امنیت دنیوی و امنیت اخروی می‌شود.

ز- رهیافت امنیتی رئالیستی در راهکارهای استراتژیک امنیتی خود، همواره به دنبال حفظ وضع موجود بوده و با یکسری استراتژی‌ها (۱- رویکرد تهاجمی ۲- رویکرد تدافعی ۳- رویکرد انگیزشی) می‌خواهد که از تغییرات جلوگیری نموده و به وضع فعلی ادامه دهد.

اما راهکارهای استراتژیک تأمین امنیت از نگاه امام، تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است؛ که عبارت است از: یکپارچگی جهان اسلام، شکل‌گیری امت واحده اسلامی، ایجاد جامعه‌ای مبتنی بر عدالت، حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان و گسترش اسلام نبوی و تشیع علوی در سراسر گیتی در راستای زمینه‌سازی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

نتیجه

محور اصلی این مقاله بررسی جایگاه امنیت در مکتب رئالیست و امام خمینی علیه السلام و تبیین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های این دو مکتب و توضیح مبانی نظری آن‌ها بود که با بررسی ویژگی‌های نظری این دو مکتب در محورهای مفهوم، ابعاد، مرجع و سطح امنیت و همچنین بحث خودی و غیر خودی، روش‌های تحصیل و راهکارهای استراتژیک امنیتی، نتیجه این شد که این مؤلفه‌ها و ویژگی‌ها از دیدگاه این دو مکتب، تفاوت محوری و اساسی داشته و نقاط مشترکی در این دو مکتب در مورد امنیت یافت نشد؛ زیرا:

مفهوم امنیت از دیدگاه رئالیست به معنای بقاء و حیات دولت - کشور و از دید حضرت امام علیه السلام به معنای بقاء ابدی و احیای ارزش‌هاست که مقدم بر ارزش‌های مادی است.

در بخش ابعاد امنیت، رئالیست‌ها آن را مضیق دانسته و تقریباً در بعد نظامی خلاصه می‌کنند؛ اما از نگاه حضرت امام علیه السلام، دارای بعد متعالی و موسع بوده و شامل تمام ابعاد دنیوی، اخروی و تمام ابعاد زندگی می‌شود. مرجع امنیت از دیدگاه امام علیه السلام، اسلام است و هموست که مرجع المراجع است اما واقع‌گرایان، مرجع امنیت را دولت می‌دانند. در سطح تحلیل امنیت نیز رئالیست‌ها امنیت را در سطح بین‌الملل تحلیل می‌کنند نه در سطح داخلی؛ اما امام، انسان را سطح تحلیل امنیت دانسته و آن را بر همه چیز مقدم می‌دارد.

واقع‌گرایان، دکترین امنیت ملی برپایه همکاری را نفی نموده و نظام بین‌الملل را نظام آنارشیک دانسته و همواره به آن با دید بی‌اعتمادی و هراس می‌نگرند؛ در حالی که فقط غیرخودی‌ها را مایه ناامنی می‌دانند نه خودی‌ها را؛ چون آنان مایه امنیت هستند.

رئالیست‌ها روش تحصیل امنیت را در تلاش از دیاد قدرت نسبی و حفظ بقای خود در دنیای بی‌اعتمادی و بین‌الملل آنارشیک می‌دانند؛ در حالی که تحصیل امنیت از منظر امام علیه السلام، «ایمان» همراه با «پرهیز از ظلم» است که شامل امنیت دنیوی و اخروی می‌شود. در راهکارهای استراتژیک امنیتی نیز رئالیست‌ها، همواره به دنبال حفظ وضع موجوداند، اما حضرت امام علیه السلام، به دنبال تغییر وضع موجود و رسیدن به وضع مطلوب است.

کتابنامه

قرآن کریم.

نهج الفصاحه.

- ارسطا، محمدجواد، *نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران*، قم، انتشارات بوستان کتاب، چاپ دوم، سال ۱۳۸۹.
- افتخاری، اصغر، *چهره متغیر امنیت داخلی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره چهارم.
- افتخاری، اصغر و همکاران، *روش و نظریه در امنیت پژوهی*، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۳.
- امام خمینی علیه السلام، سید روح الله، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، سال ۱۳۷۸.
- _____، *نرم افزار مجموعه آثار امام خمینی علیه السلام*، قم، مرکز تحقیقات رایانه‌ای علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام، بی تا.
- _____، *تحریر الوسیله*، ترجمه علی اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، سال ۱۳۶۸.
- _____، *ولایت فقیه*، تهران، انتشارات امیر کبیر، سال ۱۳۶۰.
- _____، *صحیفه نور*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سال ۱۳۷۰.
- _____، *صحیفه امام*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، سال ۱۳۷۸.
- _____، *کتاب البیع*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول، سال ۱۳۷۹.
- انصاری، خواجه عبدالله، *منازل السائرین*، قم، انتشارات بیدار، سال ۱۳۷۲.
- بوزان، باری، و دیگران، *چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت*، ترجمه علیرضا طیب، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۳۸۶.
- بوزان، باری، *مردم، دولت ها و هراس*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال ۱۳۷۸.
- پورسعید، فرزاد، *مرجع امنیت در کنش گفتاری امام خمینی*، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴۹، سال ۱۳۸۹.
- جمشیدی، محمد حسین، *اندیشه سیاسی امام خمینی*، تهران، پژوهشکده امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی، سال ۱۳۸۴.

- حلی (علامه)، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *قواعد الأحكام فی معرفة الحلال و الحرام*، قم، انتشارات دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین، چاپ اول، سال ۱۴۱۳ق.
- دری نجف‌آبادی، قربانعلی *حکومت علوی، هدف‌ها و مسؤلیت‌ها*، تهران، انتشارات دبیرخانه مجلس خبرگان رهبری، سال ۱۳۸۱.
- عبدالله خانی، علی، *نظریه‌های امنیت*، تهران، مؤسسه فرهنگی ابرار، چاپ دوم، سال ۱۳۸۹.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، سال ۱۳۷۷.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر، چاپ نوزدهم، سال ۱۳۷۹.
- عمید زنجانی، عباسعلی، *فقه سیاسی*، تهران، انتشارات امیر کبیر، بی‌تا.
- کریمی مله، علی، *تهدیدات سیاسی امنیت ملی از دیدگاه امام خمینی*، فصلنامه مطالعات راهبردی؛ تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ش ۴۹، پاییز ۱۳۸۹.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، *الکافی*، محقق / مصحح: علی اکبر غفاری، قم، دار الکتب الإسلامية، چاپ چهارم، ۱۴۰۷هـ.ق.
- لک زایی، نجف، *درس فقه سیاست خارجی مقطع دکتری*، جامعه المصطفیٰ العالمیه، مدرسه تخصصی فقه، سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۳.
- _____، *دلالت‌های امنیتی انسان‌شناسی آیت‌الله جوادی آملی*، فصلنامه علمی- پژوهشی اسراء، ش نهم، سال ۱۳۹۱.
- _____، *دیدگاه امنیتی شیعه با تأکید بر اندیشه آیت‌الله شهید بهشتی*، فصلنامه علمی- پژوهشی شیعه‌شناسی، سال ۱۱، ش ۴۱، سال ۱۳۹۲.
- _____، *مطالعات فقهی امنیت*، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره دوم، سال ۱۳۹۳.
- _____، *مکتب امنیتی متعالیه با نگاهی به اندیشه امام خمینی (ع)*، فصلنامه آفاق امنیت، شماره ۲۶، بی‌تا.
- _____، *فلسفه امنیت از دیدگاه امام خمینی (ع)*، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی، ش ۴۹، سال ۱۳۸۹.
- لک‌زایی، شریف، *سیاست متعالیه از منظر حکمت متعالیه*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، سه دفتر مجموعه نشست‌ها و چهار جلد مجموعه مقالات، سال ۱۳۷۸-۱۳۹۱.

- مجلسى، محمد باقر بن محمد تقى، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار عليهم السلام*، بيروت، مؤسسة الطبع و النشر، چاپ اول، ١٤١٠ هـ.ق.
- محمود منجود، مصطفى، *الابعاد السياسيه لمفهوم الامن فى الاسلام*، قاهره، المعهد العالمى للفكر الاسلامى، سال ١٩٩٦.
- نجفى، كاشف الغطاء، جعفر بن خضر مالكى، *كشف الغطاء عن مبهمات الشريعة الغراء* (ط- الحديثة)، قم، انتشارات دفتر تبليغات اسلامى، چاپ اول، بى تا.
- نجفى، محمدحسن، *جواهر الكلام فى شرح شرائع الإسلام*، بيروت، دار إحياء التراث العربى، چاپ هفتم، بى تا.

